



● فریاد شیری

ادبیات کردی و فراز و فرودهای آن در ایران

۱

در یک دهه ی گذشته با توجه به تحولاتی که در خاورمیانه رخ داد و منجر به خود مختاری و استقلال کردهای عراق شد و نیز فضای باز فرهنگی بی که در کردستان ایران بعد از جریان دوم خرداد به وجود آمد، ادبیات کردی به صورت چشمگیری مورد توجه قرار گرفت. ارتباط فرهنگی محکم تری بین فعالان ادبی کردستان عراق و ایران به وجود آمد و رفته رفته زمینه ی رشد فعالیتهای فرهنگی و ادبی در کردستان ایران نیز فراهم شد. تولد مطبوعات کردی، افتتاح انیستیتوی کرد در تهران، برگزاری کنگره ها و همایشهای فرهنگی و ادبی کردی و... همه ی این اتفاقات و رویدادهای مهم باعث شد تا ادبیات کردی در ایران حضور جدی خود را اعلام کند.

طبیعی است که ادبیات برای رشد و گسترش نیاز به بستری مناسب دارد و همه ی شواهد نشان داد چنین بستری برای ادبیات کردی فراهم شده است.

برگزاری اولین کنگره ی شعر نو کردی ایران در سال ۱۳۷۹ و در دانشگاه شهید بهشتی تهران را می توان آغازی برای ایجاد دیالوگ و گفتمان فرهنگی میان روشنفکران و فعالان ادبی کرد و فارس در ایران دانست. همچنین در پی آن شاهد انتشار ترجمه ی آثار ادبی کردی به فارسی و استقبال گسترده از این آثار بودیم. همه ی این عوامل باعث شد تا ادبیات کردی در ایران نیز دچار تحول شود و جان تازه ای بگیرد.

در کل می توان چنین فرض کرد که تحولات سیاسی منطقه و ایران باعث فراهم سازی بستری مناسب برای رشد فعالیتهای فرهنگی و ادبی کردستان ایران شد. و این روند ادامه داشته تاکنون که متأسفانه همچون دیگر فعالیتهای فرهنگی و ادبی کشور، فعالیتهای فرهنگی و ادبی کردی نیز دچار رکود شده است. اما از آنجا که ادبیات در کشورهایی هم چون ایران که با تکرر قومیتها مواجه است، به سمت نوعی ادبیات چند فرهنگی پیش می رود، چاره ای نیست جز ایجاد ارتباط و پل فرهنگی میان ادبیات اقوام مختلف ایرانی؛ مخصوصاً ادبیات کردی که خویشاوندی عمیقی با ادبیات فارسی دارد.

مهمترین دست آورد ادبیات کردی در ایران، اعلام حضوری موفق و مورد توجه قرار دادن موقعیت ویژه‌ی خود بوده است. فراموش نکنیم که در ایران، علاوه بر کردها اقوام دیگری نیز زندگی می‌کنند که دارای فرهنگ، آداب و رسوم و زبان ادبیات خاصی هستند؛ آذری، بلوچ، عرب، ارمنی، گیلک و... همه‌ی این اقوام دارای پیشینه‌ی تاریخی بوده و آثار موفقی در حوزه‌ی ادبیات کلاسیک خود دارا هستند. اما هیچ کدام نتوانسته‌اند به اندازه‌ی کردها، ادبیات خود را معرفی و مطرح کنند و در رشد و توسعه‌ی آن بکوشند. از همه مهم‌تر ارائه‌ی آثار مدرن با مولفه‌های یک اثر جهانی از سوی کردها چشمگیرتر بوده است.

این‌که نشریات معتبر فارسی به انتشار ویژه‌نامه‌ی ادبیات کردی می‌پردازند و ناشران مطرح از ترجمه‌ی آثار ادبی کردی استقبال می‌کنند، نشانگر این مسأله است که ادبیات کردی از سوی فعالان ادبی و روشنفکران ایرانی جدی گرفته شده است. پس می‌بایست این موفقیتها و این موقعیت حفظ شود، چرا که ادبیات کردی هم اکنون در ایران وارد مرحله‌ی تازه‌ی شده است و به جرأت می‌توان گفت در حوزه‌ی نقد و مباحث تثوریک و شعر، حتی از ادبیات کردستان عراق نیز پیشی گرفته است. برای مقایسه‌ی این ادبیات نوپا و کم جمعیت با ادبیات فارسی ناچاریم به آثار مکتوب و ارائه شده رجوع کنیم. و از آنجا که همه‌ی آثار درخشان و جدی فرصت انتشار پیدا نکرده‌اند، تنها می‌توانیم صادقانه اعتراف کنیم که ادبیات کردی در ایران همواره تاثیر پذیری مثبتی از ادبیات فارسی داشته و با تکیه به پشتوانه‌ی غنی ادبیات کلاسیک خود سعی دارد ماندگار باشد.

یکی از مشکلات مهم ادبیات کردی در ایران مسأله‌ی بحران مخاطب است، چیزی که گریبانگیر ادبیات فارسی نیز شده است.

اما عامل اساسی در مسأله‌ی بحران مخاطب ادبیات کردی، علاوه بر تولید فنی کتاب و مسائل چاپ و نشر، برمی‌گردد به تولید فرهنگی و مسأله‌ی رسم الخط که نیاز به بررسی و اصلاح و تجدید نظر دارد.

متأسفانه هنوز تمام فعالان ادبی کرد ایران نتوانسته‌اند رسم الخط رایج و استاندارد کنونی را بپذیرند و به کار ببرند. برخی از فعالان ادبی در مناطق کرمانشاه و ایلام و لرستان مخالف به کارگیری رسم الخط پیشنهاد شده هستند و هنوز رسم الخط فارسی را به کار می‌برند. از طرفی برخی از مخاطبان ادبیات کردی در مناطق کرمانشاه و ایلام و حتی کردستان! هیچ شناختی نسبت به نحوه‌ی استفاده از رسم الخط رایج ندارند و قادر به خوانش متون ادبی نیستند. تکثر گویشهای مختلف با ساختار زبانی مختلف در زبان کردی، اگرچه به ظاهر مانعی شده برای رسیدن به یک رسم الخط واحد و استاندارد، اما مشکلات مربوط به حوزه‌ی زبان را می‌توان با آن حل کرد. عمده‌ی مشکلات درونی ادبیات کردی به مسأله‌ی زبان برمی‌گردد. مشکلاتی از جمله نازایی زبان کردی به لحاظ اشتقاق و دستگاه فعل و صرف افعال و زمان‌ها که برای رفع آنها می‌توان از امکانات دستور زبانی و ساختار گویش‌های مختلف بهره‌بریم و با تلفیق یا جایگزینی و وام گرفتن گویشهای مختلف به یک وجه اشتراک و زبان استاندارد با رسم الخط

استاندارد دست یابیم. البته این مسأله نیاز به گرد همایی‌های مکرری دارد از سوی فعالان و صاحب نظران گویشهای مختلف کردی تا با طرح مباحث تئوریک به آسیب شناسی زبان کردی پردازند. مسأله آموزش زبان کردی نیز می‌بایست جدی گرفته شود. قضیه تدریس زبان کردی در دانشگاه کردستان طرح مفیدی بود که متأسفانه با مخالفت مواجه شد و به مرحله‌ی اجرا در نیامد اما می‌توان با روشهای دیگری این مسئله را پی گیری و اجرا کرد؛ نشریات محلی، سازمانها (NGO) و دیگر تشکلهای فرهنگی می‌توانند پایگاه مناسبی برای اجرای این طرح باشند.

و اما مسأله دیگری که باید به آن توجه شود، توسعه ادبیات کودک است که در همه ملل جهان نقش زیر بنائی را ایفا می‌کند اما متأسفانه در ادبیات کردی چندان به آن توجه نشده است. در صورتی که ادبیات کودک و نوجوان می‌تواند نقش مهمی در گسترش زبان کردی ایفا کند. فراموش نکنیم که مخاطبان جدی ادبیات کردی در آینده همین کودکان و نوجوانان هستند که امروز از سوی فعالان ادبی نادیده گرفته می‌شوند.

۴

جریان نوگرایی در شعر کردستان ایران اگر چه با تأخیر و پس از تحولات شعری در کردستان عراق شکل گرفت اما در واقع روندی رو به رشد و توسعه داشته است و در سالهای اخیر حتی این روند با سرعت پیش رفته است (هر چند این سرعت می‌تواند نگران کننده هم باشد).

پس از تحولات چشمگیری که در اوائل دهه‌ی هفتاد و در شعر فارسی به وقوع پیوست و با توجه به روابط گسترده‌ای که بین شاعران فارس و کرد به وجود آمد و نیز توسعه ارتباطات فرهنگی بین کردستان ایران و عراق... فرصتی پیش آمد تا شاعران کرد ایران به مقایسه موقعیت شعر خود با شعر پیرامون پردازند و نیز با بازخوانی شعر نسل‌های پیشین، به ظرفیت‌های تازه‌ی در شعر خود پی ببرند. طبیعی است که در چنین شرایطی از تحولات تازه شعری هم‌جوار خود تأثیر گرفتند. (مخصوصاً از تحولات شعری دهه‌ی هفتاد ایران) تقریباً می‌توان گفت که از اواسط دهه‌ی هفتاد ما شاهد ارائه آثاری تازه و متفاوت با شعر نسل پیش در شعر کردستان ایران بودیم و صرف نظر از شاعرانی که همچنان به تکرار و ادامه‌ی شعر نسل‌های پیشین می‌پرداختند، در این یک دهه می‌توان به دو رویکرد شعری در کردستان ایران اشاره کرد:

۱. رویکرد محطاطانه به زبان و اندیشه و تلاش در جهت تلفیق این دو محور و رسیدن به شعری معتدل و بی‌خطر که هنوز با شعر پیش از خود در ارتباط است.
۲. رویکرد زبانی و ریسک‌پذیر و تلاش در جهت رسیدن به شعری متفاوت (جیاواز) که به یک باره ارتباط خود را با شعر پیش از خود قطع کرده است.

متأسفانه این دود گروه آثار زیادی ارائه نداده‌اند (به صورت مکتوب) و نمی‌توان درباره شعر آنان به راحتی قضاوت کرد، اما چنین احساس می‌شود که گروه اول به نوعی زمینه را برای ریسک و خطر کردن گروه دوم آماده کرد و گروه دوم نیز موقعیتی بحرانی در شعر کردستان ایران به وجود آورد. البته این بحران نباید در جهت منفی تعبیر و تلقی شود، چرا که برای رسیدن به مرحله تکاملی و توسعه‌پذیری می‌بایست یک موقعیت بحرانی به وجود بیاید و از آن عبور کرد. و شعر کردستان ایران نیز به این موقعیت بحرانی نیاز داشت اما اینکه از این بحران می‌توان عبور کرد یا نه نیاز به یک بررسی اجمالی روی همه

آثار ارائه شده‌ی این نسل دارد که متأسفانه این آثار هنوز فرصت ارائه شدن نیافته‌اند. اما چیزی که نباید نادیده گرفته شود موقعیت و ظرفیت زبان کردی است و اینکه آیا این زبان توانائی و تحمل همه شگردها و گرایشات تازه شعری را دارد یا نه؟

پس این خطر نیز وجود دارد که گرایشات افراطی باعث انحراف شعر کردستان ایران شود. کافیت که نگاهی داشته باشیم به سرنوشت جریانها و جنجالهای شعر دهه‌ی هفتاد ایران، آنگاه به راحتی می‌توان مسیر و جریان طبیعی شعر کردی را پیدا کرد و خطا نکرد! بدنیست اشاره‌ای هم داشته باشیم به جریان شعری در مناطق کردنشین جنوب (کرمانشاه، ایلام، لرستان و...) که طی این دهه دچار تحولات چشمگیری شد و به نوعی شعر از زیر سلطه‌ی فضای کلاسیک وزن و قافیه رها شد و هم اکنون شاعران زیادی در مناطق کرمانشاه، ایلام، لرستان و... با گویشهای مختلف (کلهری، لکی، فیلی و...) جریان شعر نو کردی را دنبال می‌کنند و نمونه‌های موفقی هم ارائه داده‌اند.

شاید اگر دو جریان شعری (کردستان و مناطق جنوبی) در ارتباط بیشتری با هم قرار بگیرند و به جای تقلید از شعر دیگران از همدیگر وام بگیرند و به تلفیق لحنها و گویش‌های مختلف کردی بپردازند، در آینده‌ی نزدیک ما شاهد شعری قدرتمند و آوانگارد در کردستان ایران خواهیم بود. مثلاً در گویشهای جنوبی ما با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تازه‌ای در فعل‌ها روبرو می‌شویم که می‌تواند به ضعف‌های دستگاه فعل در گویش‌های دیگر کمک کند.

در کل همه‌ی اینها وقتی قابل اجرا است که دامنه‌ی ارتباطمان را وسیع‌تر کنیم و در گردهمایی‌ها و میزگردهایی (با حضور شاعران کرد از نقاط مختلف) به طرح این مسائل بپردازیم.

۵

و اما طرح «ویژه‌نامه شاعران کرد» توسط مدیر مسوول فصلنامه‌ی گوهران، سعیده آبشناسان پیشنهاد شد. فراخوان ویژه‌نامه در نشریات محلی استانهای غرب کشور (کردستان، کرمانشاه و...) و همچنین فصلنامه‌ی گوهران ابلاغ شد. همانطور که پیش‌بینی می‌شد، نسل جوان و خلاق استقبال خوبی از فراخوان به عمل آوردند. با همفکری فعالان ادبی گویشهای مختلف کردی سعی کردیم بهترین آثار را انتخاب کنیم. و امادر این میان چیزی که باعث آزار ما شد، عدم پاسخ دهی برخی از نامهای آشنا به فراخوان بود. نامهایی که گویا تنها در بزرگداشتها و جشنواره‌های (پربار!) حضور می‌یابند و متأسفانه به دعوت و درخواست‌های تلفنی و حضوری ما پاسخ ندادند و حتی باعث به تأخیر افتادن روند جمع‌آوری و چاپ این ویژه‌نامه شدند. به هر حال این ویژه‌نامه با هر مشقتی بود جمع‌آوری شد. و اما از طرف همه‌ی اهالی ادبیات کردی، درود و سپاس خود را تقدیم می‌داریم به مدیر مسوول فصلنامه‌ی گوهران که چنین فرصتی را در اختیار ما قرارداد. و همچنین سپاسگزاریم از دوستانی که در تهیه و انتخاب و ترجمه‌ی آثار این ویژه‌نامه ما را یاری دادند.